

## سید حمیری و جلوه‌های آیات قرآن در اشعارش

دکتر مصطفی شیدوی خوازانی<sup>▪</sup>  
استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه قم

### چکیده:

اهتمام شیعیان به خاندان وحی، برای برخی از ناآگاهان یا معاندان، زمینه‌ی مناسبی پدید آورده است که شیعیان را به بی‌توجهی به قرآن کریم متهم نمایند؛ در حالی که شواهد گوناگون در زمینه‌های مختلف از جمله آثار ادبیان و شاعران شیعه مذهب، گواه بطلان این مدعای است.

این مقاله در راستای هدف یاد شده، اشعار یکی از شاعران شیعه مذهب را، از آن روی که شاعران و ادبیان معمولاً بازتاب دهنده‌ی دیدگاههای مختلف جوامع خود هستند، مورد بررسی قرار داده، جلوه‌های آیات الهی را در جای جای آن به عیان مشاهده نموده است که ابتدا به شرح مختصری از زندگی شاعر و سپس به مواردی از اشعار ایشان که مقتبس از آیات الهی است اشاره می‌کند.

کلید واژگان: سید حمیری، شیعه، جلوه‌های آیات، اشعار

٤٥٠ مقدمة

برخی از تحجرگرایان اهل سنت بر این باورند که شیعیان را با قرآن کریم کاری نیست! و آیات الهی را بر دلها یشان بهاری نیست؛ چرا که با پرداختن به سایر امور، خود را از توجه بدان بی نیاز نموده‌اند و راههای دیگری را فراروی خویش گشوده‌اند. (ر.ک. به عبدالله علی القصیمی، ۱۳۵۶-ق، ج ۱، ص ۷۰ و ج ۲، ص ۴۰) اما واضح و روشن است که باطل کردن این توهم از راههای گوناگون امکان‌پذیر است، ولی در اینجا بنا به لحاظ رشته‌ی ادبی خویش تلاش کرده‌ایم پاسخی متفاوت بر آن بیابیم؛ لذا به مطالعه‌ی آثار ادبیان و شاعران شیعه مذهب همت گمارده تا بینیم از آن روی که شاعران و ادبیان به طور معمول بازتاب دهنده‌ی دیدگاه‌های مختلف جو امام خود هستند، آیا آثارشان متأثر از قرآن کریم هست یا خیر؟

جوامع خود هستند، آیا آثارشان متأثر از قرآن کریم هست یا خیر؟

در راستای هدف یاد شده، دیوان یکی از شاعران شیعه مذهب به نام سید حمیری را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌ایم و به موارد بارزی که این شاعر گران‌نادر تحت تأثیر قرآن کریم شعر سروده است استشهاد نموده‌ایم.

## ۱. بیان گوته‌ی از زندگینامه‌ی سید حمیری

نام او «اسماعیل» فرزند «محمد بن یزید بن ریعه» و کنیه‌اش «ابوهاشم» از کودکی ملقب به «سید» بوده است و امام صادق علیه السلام او را «سید الشعراء» نامیده است. وی اهل «حمیر» قبیله‌ی عربی یمنی است که در عمان و در سال ۱۰۵ هـ ق دیده به جهان گشود و در بصره بزرگ شد. (ابو الفرج الاصفهانی، ج ۷، هـ ۱۴۰۷، ص ۲۴۸).

بصره در آن زمان مرکز علم و ادب و مذاهب مختلف و محل آمد و شد ملل گوناگون بوده است. پدر و مادر سید «اباضی» و از دشمنان سر سخت حضرت علی علیله بودند و حضرت را سب می کردند، لذا سید برای دوری جستن از آنها، بسیاری از اوقات خود را خارج از خانه و در مساجد می گذراند. خودش در این زمینه می گوید: وقتی خردسال و نوجوان بودم همواره می دیدم که پدر و مادرم سب امیر المؤمنین می کنند و من برای اجتناب از آنها از خانه بیرون می رفتم و در مساجد می ماندم و تحمل گرسنگی را بر باز گشت به خانه ترجیح می دادم. تا اینکه قدری

بزرگتر شدم و به سراییدن شعر پرداختم در این هنگام به پدر و مادرم گفتم حداقل وقتی من نزد شما هستم از سبّ امیر المؤمنین خوداری نمایید! اما آنها به عمل زشت خود ادامه دادند. و مرا تهدید به قتل کردند. (محمدبن عمران المرزبانی، ۱۴۱۳ هـ، ص ۱۵۶).

بدین ترتیب سید مجبور می‌شود برای حفظ عقیده‌اش منزل پدر و مادر خود را برای همیشه ترک کند.

## ۱-۲. باور و ایمان سید حمیری

تاریخ نگاران همه اتفاق نظر دارند که سید حمیری در مدتی از عمر خود، پاییند مذهب کیسانی و قائل به امامت محمدبن حنفیه بوده است. ولی از آنجا که فرقه‌های کیسانی مختلف هستند، باید دید سید حمیری به کدامین دسته‌ی آنها گرایش داشته است؟

برخی از فرقه‌های کیسانی، محمد بن حنفیه را پس از حضرت علی علیہ السلام، امام و جانشین ایشان می‌دانند و برخی از آنها وی را پس از امام حسین علیہ السلام و امام چهارم علیہ السلام می‌دانند که خود به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروهی که معتقدند محمدبن حنفیه در کوههای «رضوی» غائب شده و بعداً ظهور خواهد کرد، و گروهی که معتقدند محمدبن حنفیه از دنیا رفته است. سپس این گروه خود بسر وصی او اختلاف پیدا کرده‌اند که عده‌ای از آنها قائل به تنازع ارواح و حلول و .... هستند. (احمد الشهرستاني، ۱۴۰۶ هـ، ج ۱، ص ۱۴۷).

اشعار سید حمیری گویای آن است که سید، معتقد به امامت محمدبن حنفیه پس از امام حسین علیہ السلام بوده و باورمند بوده است که محمد حنفیه با ۴۰ نفر از اصحابش در کوههای «رضوی» غائب گردیده است. (السید الحمیری، «بی‌تا»، ص ۵۱ و ۴۹). بنابراین آنچه که امثال «ابن حزم» و «طه‌حسین» به او نسبت می‌دهند که وی قائل به تنازع و حلول و اهل خرافه بوده است عاری از حقیقت می‌باشد و ناشی از عدم شناخت درست فرقه‌های مختلف کیسانیه است. (محمدتقی الحکیم، «بی‌تا»، ص ۳۲).

## ۲-۲. گرویدن سید حمیری به مذهب جعفری

در مورد تغییر مذهب سید حمیری روایات بسیار و متفاوتی وجود دارد که قدر جامع آنها این است که سید حمیری با امام صادق علیہ السلام ملاقات نموده است و به

برکت این دیدار دست از مذهب کیسانی برداشته و از معتقدان راستین مذهب عجفری گردیده است. در این زمینه روایاتی از «ابن معتر» (عبدالحسین، احمد الامینی، ۱۴۱-ق، ج ۲، ص ۲۴۵) و «صلدوق» (ابن بابویه الصدق، ۱۳۹-ق، ص ۳۳). و «مرزبانی» (محمدبن عمران المرزبانی، ۱۱۹۳، أخبار السيد، ص ۱۶۴) و «شيخ مفید» (محمد النعمان المفید، الفصول المختارة، ۳۸۱-ق، ص ۲۴۱). نقل شده است که به اتهامات واردہ به ایشان، پاسخ داده شده است. و نیز اشعار زیادی از سید حمیری مؤید آن می‌باشد.

### ۲-۳. جایگاه ادبی سید حمیری

سید حمیری در نزد ادبیان از جایگاه ادبی والا بی برخوردار است. شاعری است با ذوق، هنرمند، حساس، تیز بین که بدون تکلف شعر می‌گوید و از تعقید و غربات به دور است. حتی بعضی او را به «جریر که یکی از شاعران نامدار است» مقدم دانسته‌اند. (ابو الفرج الاصفهانی، ۱۴۰۷-ق، ج ۷، ص ۲۵۹).

ابو فرج اصفهانی گویید: سید روش و سبک شعری ویژه‌ای دارد که به ندرت کسی به پای او می‌رسد. در جایگاه بلندش همین بس که یکی از فرزندان «ابوالأسود دؤلی» نقل می‌کند که گفته است: ما به همراه سید نزد «ابو عمرو بن العلاء» نشسته بودیم و گفت و گو می‌کردیم و وقتی مشغول سخن گفتن در کشت و زرع و امور دنیوی شدیم، ناگهان سید بلند شد تا مجلس را ترک کند، هنگامی که سیش را جویا شدیم در جواب گفت:

إِنِّي لَا كَرَفَيْه لِفَضْلِ آلِ مُحَمَّدٍ  
لَا ذَكْرَ فِيهِ لِأَحْمَدٍ وَوَصَيَّهِ  
وَبَنِيهِ ذَلِكَ مَجَلسٌ نَطِفَّرَدِي  
(همان، ج ۷، ص ۲۵۹ و ۲۶۸)

### ۲-۳-۱. فنون شعری سید

در اشعار سید حمیری فنون مختلف و اغراض متنوعی یافت می‌شود مانند غزل، هجو، مدح، رثاء، فکاهی و غیره، اما اکثر اشعار او در مدح است ولی نه مدح رایج و بی ارزشی که هدف صاحبان آن، رسیدن به متاع دنیا و دست یافتن به عطا‌یابی

پادشاهان است. چرا که سید حمیری، خود یکی از شاعران معروف به نام «بشار» را مورد مذمت قرار می‌دهد و خطاب به او می‌گوید:

أَيُّهَا السَّادَةُ الْعِبَادُ لِيَعْطُى  
إِنَّ اللَّهَ مَا بِأَيْدِيِ الْعِبَادِ  
فَاسْأَلُ اللَّهَ مَا طَلَبْتُ إِلَيْهِمْ  
وَارْجُوْ تَفْعُلَ الْمُنْزَلَ السَّعَادِ  
وَسُسْمَى الْبَخِيلَ بِاسْمِ الْجَوَادِ  
لَا تَقْلُ فِي الْجَوَادِ مَا لِيْسَ فِيهِ

(همان، ص ۲۵۶)

### ۲-۳-۲. فرهنگ علمی - مذهبی سید حمیری

سید حمیری یک شاعر معمولی نبوده، بلکه علاوه بر شاعر بودن، در علوم گوناگونی مانند لغت، نحو، بلاغت و حتی فقه و کلام و تاریخ صاحب نظر بوده است. و کسی که به موارد احتجاجات سید نظر کند و به معانی بلندی که در اشعارش آورده دقت نماید، برایش روشن و آشکار خواهد شد که تا چه حد در فهم مقاهم قرآن کریم و دانش فقه و کلام توانا بوده است. (عبدالحسین احمدالامینی، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۵).

### ۴-۲. برخورد سید حمیری با امویان و عباسیان

امویان از سال ۴۱ هجری به مدت ۹۰ سال حکومت کردند که سید حمیری پنج تن از حاکمان آنها را در کم می‌کند و بیست و پنج سال از عمر خود را در دوران حکومت آنها می‌گذراند. اما در این مدت از حاکمان بنی امية دوری می‌جوید و حکومت آنها را غیر شرعی می‌داند و با عقیده‌ی کیسانیش در این مدت منتظر ظهور امام غائب خویش می‌ماند. سپس با سقوط امویان، حکومت عباسی در سال ۱۳۲ هجری قمری با شعار دعوت به رضای آل محمد علیهم السلام روی کار می‌آید. عباسیان پس از پیروزی بر امویان، فرصت را غنیمت شمرده و سیر انقلاب را منحرف کرده و خود را خلیفه‌ی مسلمانان معرفی می‌کنند و شد آنچه شد. (أسد حیدر، ۱۹۶۹، ج ۱، ص ۴۰)

سید حمیری پنج تن از حاکمان عباسی را در کم می‌کند و به پاس اینکه عباسیان توانستند حکومت بنی امية را سرنگون کنند، بعضی از آنها را مورد مدح و ستایش قرار می‌دهد.

### ۳. جلوه‌های آیات در اشعار سید حمیری

در جای جای اشعار سید حمیری نسیم جان بخش آیات الهی به مشام می‌رسد و جلوه‌هایی از آیه‌های قرآن کریم در بیت بیت آن به چشم می‌خورد که برای رعایت اختصار، تنها به آن مواردی اشاره می‌کنیم که در بیان فضایل و مناقب حضرت علی علیه السلام سروده شده است.

خاطر نشان می‌شود که سید حمیری، در بسیاری از فضایل و مناقب علی علیه السلام شعر سروده است؛ ولی در این مقاله، تنها آن دسته اشعاری مورد استشهاد واقع شده که با استفاده از آیات قرآن، به بیان فضایل علی علیه السلام پرداخته است.

**۱-۳. اسلام آوردن علی علیه السلام و پیشی گرفتن از دیگران در این امر**  
 درباره اسلام آوردن حضرت علی علیه السلام و پیشی گرفتن ایشان از دیگران در این امر، سخنان بسیاری گفته شده است و کتابهای زیادی به رشته تحریر در آمده است.  
 و همه متყند که سبقت گرفتن در گرویدن به اسلام، بزرگترین فضیلت است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ هـ، ج ۲، ص ۲)

لذا سید حمیری به این مسئله اشاره کرده و با اقتباس از آیه‌ی «والسَّابِقُونَ الأُوْلَوْنَ» (توبه/۱۰۰) اشعار زیبایی سروده است. که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

لَعْمَرِي لَئِنْ كَانَ لِلسَّابِقِينَ  
وَسِيلَةٌ فَضْلٌ عَلَى التَّابِعِينَ  
لَقَدْ كَانَ لِلسَّابِقِ السَّابِقِينَ  
عَلَيْهِمْ مِنَ الْفَضْلِ مَا تَدَعُونَا

(السيد الحمیری، «بی‌تا»، ص ۴۲۸)

همچنین به آیه‌ی یا يَحِيَيِ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتِيَّةُ الْحُكْمِ صَبِيَّاً (مریم/۱۲) استشهاد می‌کند و می‌گوید:

وَقَدْ أَوْتَيَ الْهُدَى وَ الْحُكْمَ طَفْلًا  
كَيْحَيَيِ يَوْمَ أُوتِيهِ صَبِيًّا  
أَمْ يُؤْتَ الْهُدَى وَ النَّاسُ حَيْرَى  
فَوَحَدَ رَبَّهُ الْأَحَدُ الْغَلَيْأَ

(همان، ص ۴۵۹)

به اعتقاد سید، حضرت علی علیه السلام در کودکی مشمول هدایت الهی قرار می‌گیرد ولی چون مخالفان، آن را بعید می‌انگارند سید در پاسخ آنها، از فرهنگ قرآنی خودش مدد می‌گیرد و با استشهاد به قرآن کریم آن را برهانی می‌کند. (همان، ص ۱۴۲)  
 و نیز به آیه‌ی پنج سوره‌ی جمعه اشاره کرده و می‌گوید:

پژوهشی اسلام‌شناسی اول، شعبده اول، پائیز ۱۳۸۵

۴۰

مَنْ كَانَ صَلَّى الْقِبْلَتَيْنِ وَ قَوْمَهُ  
مَنْ كَانَ فِي الْقُرْآنِ سَمِّيَ مُؤْمِنًا  
مَثْلُ النَّوَاهِقِ تَحْمِلُ الْأَسْفَارَا  
فِي عَشْرِ آيَاتٍ جَعَلَنَ خِيَارًا  
(همان، ص ۲۱۷)

محمود زمخشri در تفسیر «الکشاف» خود به ده آیه‌ی یاد شده در شعر بالا اشاره می‌کند که عبارت است از السجدة / ۱۸ و المائدة / ۵۵ و التوبه / ۱۹ و التحریم / ۴ و المجادلة / ۱۲ و الأحزاب / ۲۳ و مریم / ۹۶ والبینة / ۷ والأنفال / ۶۲ و المطففين / ۲۹. (ر.ک به محمود الزمخشri، ۱۳۶۶ هـ، ش، ج ۳، ص ۵۱۴ و ۴۷ و ج ۴، ص ۴۹۴) و (علی بن محمد الواحدی النسابوری، ۱۳۷۹ هـ، ص ۱۳۹).

### ۲-۳. علم و دانش حضرت علی علیہ السلام

افزون بر احادیث اهل بیت، اهل سنت نیز معتبر فند که مقصد از آیه‌ی «وَ مَنْ عَنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (الرعد / ۴۴) علی علیہ السلام است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ هـ، ج ۲، ص ۲۹) و سید حمیری در این باره اشعار متعدد و جالبی دارد که نمونه‌ای از آن ذکر می‌شود.

مَنْ عَنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ وَ حَكْمَهُ  
مَنْ شَاهَدَ يَتَلَوَّهُ مِنْ نَذَارَا  
عِلْمُ الْبَلَاتِيَا وَ الْمَنَيَا عِنْدَهُ  
فَصَلُّ الْخَطَابَ نَمَى إِلَيْهِ وَ صَارَا  
(السید الحمیری، پیشین، ص ۲۱۴)

در قصیده‌ی دیگری سید از آیه‌ی پانزده سوره‌ی مائدہ بهره جسته و علی علیہ السلام نور پر فروغی دانسته که جاهلان از پرتو آن شفا می‌یابند.

مَنْ كَانَ فِي الدِّينِ نُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ  
وَ كَانَ مِنْ جَهْلَهَا بِالْعِلْمِ شَافِيهَا  
(همان، ص ۴۶۸)

وی در اشعار دیگری با توجه به سوره‌ی مائدہ، آیه‌ی پانزده و سوره‌ی مریم، آیه‌ی دوازده، علی علیہ السلام را امین وحی و حافظ آیات الهی و کسی که از کودکی شایستگی دادرسی می‌یابد، و پایان بخش نهایی و فصل الخطاب امور است، معرفی می‌کند و می‌گوید:

وَ عَلَىٰ حَازِنُ الْوَحْيِ الَّذِي  
كَانَ مُسْتَوْدَعَ آيَاتِ السَّوَرِ  
(همان، ص ۲۵۱)

الْحُكْمَ صَبَّيَا طَفَلًا وَ فَصِلَ الْخَطَابَ  
وَ قَرِيشَ تَدِينَ لِسَانَصَابَ  
(همان، ص ۸۲ و ۳۰۴)

حَازِنُ الْوَحْيِ وَالَّذِي أَوْتَ  
كَانَ لِلَّهِ ثَانِي اثْنَيْنِ سَرَا

### ۳-۳. فداکاری علی‌الله در رویداد «میت»

سید حمیری در قصاید زیادی رویداد مهم تاریخی «میت» را یادآور شده و در بیان آن از کلام الله مجید به نحو شایسته‌ای استفاده کرده است که ذکر تمامی آنها در این نوشته نمی‌گنجد؛ لذا به نمونه‌ای از آن اکتفا می‌گردد.

ایشان با توجه به مضمون آیه‌ی **فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّاتٍ مَا مَكْرُوا** (المؤمنون: ۴۵) در بیان این

حادثه می‌گوید:

ثَارُوا لِأَخْذِ أَخِي الْفَرَاشِ فَصَادَفَتْ  
غَيْرَ الَّذِي طَلَبَتْ أَكْفُفُ الْخَيْبِ

فَوَقَاهُ بِسَادِرَةِ الْحَتْوَفِ بِنَفْسِهِ  
حَذَرًا عَلَيْهِ مِنَ الْعَدُوِ الْمُجْلِبِ

(همان، ص ۹۳ تا ۹۷)

در قصیده‌ی دیگری، از آیه‌ی «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرَضَاتِ اللَّهِ»

البقره/ ۲۰۷ استفاده نموده و سروده است.

وَلَلَّهِ كَادَ الْمُشْرِكُونَ مُحَمَّدًا  
شَرِي نَفْسَهُ لِلَّهِ اذْبَتَ لَا تَشْرِي

فَبَاتَ مَيِّتًا لَمْ يَكُنْ لِتَبِيهَ  
ضَعِيفٌ، عَمُودُ الْقَلْبِ مُنْتَفَخُ السَّحْرِ

(همان، ص ۲۴۹)

### ۴-۳. در بیان انفاق و ایثار علی‌الله

در بیان ایثار و انفاق علی‌الله گفتنی‌ها بسیار است و نوشته‌ها فراوان. (ر.ک. به

بن شهر آشوب، پیشین، ج ۲، ص ۷۴)

ولی آنچه مهم است این است که شاعر ما قصایدی انفاق و ایثار حضرت را برگرفته از

آیات قرآن کریم به نظم کشیده است که می‌توان به صفحه‌های ۲۲۶ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۵۵۶ و

۲۴۰ دیوان ایشان مراجعه کرد در اینجا فقط به دو نمونه‌ی آن اشاره می‌کنیم:

وَأَنْفَقَ مَالَهُ لَيْلًا وَ صَبَاحًا  
وَأَسْرَارًا وَ جَهْرَ الْجَاهِرِينَا

وَصَدَقَ مَالَهُ لَمَّا أَتَاهُ  
الْفَقِيرُ بِخَاتَمِ الْمُتَّخِمِينَا

وَآئِرَ خَيْفَةً لَمَّا أَتَاهُ  
فَظَلَّ وَ أَهْلَهُ يَتَلَمَّظُونَا

فَسَمَّاهُ إِلَهُ بِمَا أَتَاهُ  
مِنَ الْإِيَارِ بِاسْمِ الْمُفْلِحِينَا

(همان، ص ۴۳۱)

مَنْ ذَا بِخَاتَمِهِ تَصَدَّقَ رَاكِعًا  
فَأَثَابَهُ ذُوالْعَرْشِ عَنْهُ وَ لَاءُ

(همان، ص ۵۶)

حکایت اسلام اول، شماره اول، پیزد ۳۲۵

در اشعار یاد شده، سید از آیه‌ی ۲۷۶ سوره‌ی بقره و آیه‌ی ۹ سوره‌ی حشر و آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مائدہ مدد گرفته است.

### ۵-۳. درباره‌ی وصایت حضرت

سید حمیری از آیات و روایات بسیاری، در تأیید وصایت علی علیه السلام بهره گرفته است که در رساله‌ی کارشناسی ارشد نگارنده به نام «دورالآیات القرآنیة فی أشعار السید الحمیری» که به زبان عربی نگارش یافته است، به تفصیل بیان شده است، و ما در اینجا به ذکر دو نمونه‌ی آن بستنده می‌کنیم.

سید در ایاتی با اشاره به آیه‌ی ۱۴۴ سوره‌ی آل عمران از قول پیامبر اکرم ﷺ می‌گوید: علی ابن ابی طالب، وصی و جانشین من است و انکار او نوعی بازگشت به کفر محسوب می‌گردد:

فَيَقُولُ فِي مَعْلَمَةِ خَيْرِ الْوَرَى  
هَذَا وَصِيٌّ فِيْكُمْ وَخَلِيفَتِي

جَهْرًا وَمَا نَاجَى بِهِ اسْرَارًا

لَا تَجْهَلُوهُ فَتَرْجِعُوا كُفَّارًا

(همان، ص ۲۱۶)

در جای دیگری از دیوانش بیان می‌کند که ده‌ها آیه از قرآن کریم در تأیید وصایت حضرت نازل شده است:

أَنْتَ الْوَصِيُّ وَصَيْرُ الْمُصْطَفَى نَزَلتْ مِنْ ذِي الْعُلُوِّ فِيهِ مِنْ فُرْقَانٍ آتُونَا

(همان، ص ۴۱۹)

و درباره‌ی آیات نگاه کنید به: محمد حسن المظفر، ۱۳۹۵ هـ، ج ۲، ص ۴۲ تا

.۲۲۳

۶-۳. در بیان لبیک گفتن علی علیه السلام به نخستین دعوت آشکار پیامبر اکرم ﷺ سید حمیری با اقتباس از آیه‌های «وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبَين» (الشعراء/۲۱۴) و آیه «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (الأعراف/۱۵۸) این رویداد مهم را به تفصیل به نظم کشیده است و در ضمن آن از آیات دیگری نیز بهره جسته است که چند بیت آن چنین است:

وَيَوْمَ قَالَ لَهُ جَبِرِيلُ قَدْ عَلِمْتُ  
فَقَامَ يَدْعُوْهُمْ مِنْ دُونِ أَمْتَهِ

أَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَدَنَى إِنْ بَصَرُوا

فَمَا تَخَلَّفَ عَنْهُ مِنْهُمْ بَشَرٌ

إِلَيْكُمْ فَاجْبِيُّوا اللَّهَ وَادْكُرُوا

فَقَالَ يَا قَوْمَ إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَنِي

(السيد الحميري، پیشین، ص ۲۰۴)

### ۳-۷. در بیان منزلت علی ظایل نزد پیامبر اسلام ﷺ

این شاعر توانا به هنگام بیان پیمان اخوت و برادری بین رسول خدا ﷺ و علی ظایل و شرح جایگاه و منزلت ایشان در نزد پیامبر که به منزله‌ی هارون نسبت به موسی است و اینکه حضرت برادر و وارث تباری اکرم ﷺ می‌باشد و از نزدیکان مخصوص ایشان به شمار می‌آیند، اشعار بسیار زیبایی سروده است که سرشار از عطر آیات قرآن کریم است که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود.

وَى بَا الْهَامَ از آیه‌ی «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزَيْرَاءً»

(الفرقان ۳۵) می‌گوید:

وَكَانَ لَهُ أَخَا وَأَمِينَ غَيْرَ  
عَلَى الْوَحِيِ الْمُنْزَلِ حِينَ يُوحَى  
كَمَا هَارُونَ كَانَ وَزِيرًا  
وَكَانَ لِأَحْمَدِ الْهَادِي وَزِيرًا

(همان، ص ۶۳)



فَانَّ وَلِيَّكُمْ بَعْدِي عَلَىٰ  
وَمَوْلَأُكُمْ هُوَ الْهَادِي الْوَزِيرُ  
وَمِنْ بَعْدِي الْخَلِيفَةُ وَالْأَمِيرُ

(همان، ص ۱۹۸)

### ۳-۸. در شرح حدیثی غدیر و جانشینی علی ظایل

سید حمیری رویداد غدیر را به طور مشروح و با قصاید زیبایی به نظم کشیده است، که جلوه‌های آیات قرآنی در سطر سطر آن مشهود است. و ما به دو نمونه آن اشاره می‌کنیم.

سید آیه‌ی یا ائمَّه الرَّسُولِ بَلَغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رِّبَّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ  
رسالتَهُ (المائدة ۶۷) را با توجه به شأن نزول آن زیور برخی از قصاید خود قرار داده  
که دو بیت آن چنین است:

جَبْرِيلُ يَأْمُرُ بِالْتَّبْلِغِ إِعْلَانًا  
نَفْسِي فَدَاءُ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ أَتَى  
النَّبِيُّ مُمْثِلاً أَمْرًا لِمَنْ دَانَا  
إِنْ لَمْ تَبْلُغْ فَمَا بَلَغْتَ فَانْتَصَبَ

(همان، ص ۴۲۰)

فَهَذِهِ الْمُنْتَهَى مِنْ "الْمُؤْمِنُونَ" وَهَذِهِ الْمُنْتَهَى مِنْ "الْمُنْكَرِ" اسْلَمَ اُولُو الْبَرَىءَ، شَاهِدَهُ اُولُو الْبَرَىءَ، بِالْبَيْنَانِ

٤٤

وی در بیت دیگری در بیان رویداد فوق از آیه‌ی **لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ** بهره گرفته و سروده است:

وَنِعْمَتِي الْكَبِيرَى عَلَى الْحَقِيقِ مَنْ غَدَا  
لَهَا شَاكِرًا دَامَتْ وَأَعْطَى تَمامَهَا

(همان، ص ۳۸۹)

البته ایشان در بیان شأن نزول سوره‌ی برائت و مأمور شدن علی علیله برای ابلاغ آن به اهل مکه، و شرح قضاوتهای حضرت و اینکه به اعتراف رهبران اهل ست، علی علیله عادل‌ترین قاضی پس از رسول خدا علیله است، و توصیف محبت ملاتکه نسبت به امیر مؤمنان و سلام ملاتکه بر ایشان در شامگاه بدر، و در بیان شجاعت و پیکار حضرت در جنگ احزاب، و توصیف منزلت و جایگاه ایشان در روز قیامت و روز حساب و دیگر فضائل ایشان، از آیات قرآن کریم استفاده نموده است که آوردن همه‌ی آنها در این مقاله مقدور نیست.

#### نتیجه

این شاعر شیعه مذهب در شرح و بیان اکثر موضوعاتی که سروده است، استادانه و با ظرافت خاصی از آیات قرآن کریم استمداد طلبیده است و اشعار خود را مزین به کلام الهی نموده است، این ویژگی، هم رمز بقای او شده است و هم بیانگر این نکته که این شاعر به عنوان ادبی که بازتاب دهنده‌ی جامعه‌ی خود می‌باشد، به چه میزان تحت تأثیر قرآن مجید بوده است، و در بیان مسایل و موضوعات خود از آیات کلام الله مجید استفاده نموده است.

در ضمن، این سخن که شیعیان ابداً به قرآن کریم اهتمام نمی‌ورزند (ر.ک به عبدالله علی القصیمی، ۱۳۵۶هـ، ج ۱، ص ۷۱)، از این دیدگاه قابل خدشه و بی‌اساس است.

مكتبة كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الملك عبد الله بن عبد العزىز، إطال أول، شهادة أول، يانيز ٢٠١٤

## منابع و مأخذ:

١. ابن الأثير على بن محمد؛ أسد الغابة في معرفة الصحابة؛ ج ٣ و ٤، الطبعة الأولى، تهران، اسماعيليان، «بي تا»، ٦.
٢. ابن شهر آشوب أبو جعفر رشيد الدين محمد بن علي؛ مناقب آل أبي طالب؛ ج ٢ و ٣، قم: المطبعة العلمية، ١٣٧٩ هـ.
٣. السيد الحميري؛ ديوان؛ جمعه و حققه: شاكر هادي شكر؛ الطبعة الأولى، بيروت: مكتبة الحياة، «بي تا».
٤. اصفهانی أبو الفرج؛ الأغانی؛ ج ٧، الطبعة الأولى، لبنان: دار الفكر، ١٤٠٧ هـ.
٥. الأمینی الشیخ عبدالحسین أحمد؛ الغدیر؛ ج ٢ و ٣، الطبعة الرابعة، طهران: دار الكتب الاسلامی؛ ١٤١٠ هـ.
٦. الحکیم محمد تقی، شاعر العقیدة، الطبعة الأولى، لامط: دار الحديث، «بي تا».
٧. حیدر أسد؛ الامام الصادق و المذاهب الأربع؛ ج ٣، الطبعة الثانية، بيروت: دار الكتب العربي، ١٣٩٠ هـ.
٨. الزمخشري محمود بن عمر؛ الكشاف؛ ج ١، ٣، ٤ الطبعة الأولى، قم: نشر أدب الحوزة، ١٣٦٦ هـ.
٩. الشھرستانی أحمد؛ الملل والنحل؛ ج ١، الطبعة الأولى، بيروت: دار صعب، ١٤٠٦ هـ ١٩٨٦ م.
١٠. الصدوق محمد بن علي بن الحسين بن بابويه؛ اكمال الدين و اتمام النعمة؛ الطبعة الأولى، طهران: مكتبة الصدوق، ١٣٩٠ هـ.
١١. القصيمي عبدالله على؛ الصراع بين الاسلام والوثنية؛ الطبعة الأولى، القاهرة: المطبعة السلفية، ١٣٥٦ هـ.

١٢. المرزبانى محمد بن عمران؛ أخبار شعاء الشيعة (أخبار السيد الحميرى)، تقديم و تحقیق و تعلیق: محمد هادى الأمینی؛ الطبعة الثانية، بيروت: شركة الكتب للطاعة و النشر، ١٩٩٣ م.

١٣. المظفر محمد حسن؛ دلائل الصدق؛ ج ٢، الطبعة الاولى، قم: مكتبة بصیرتی: ١٣٩٥هـ

١٤. المفید محمد بن محمد بن النعمان العکبری؛ الفصول المختارة، الطبعة الثانية، نجف: منشورات مطبعة الحیدریة، ١٣٨١هـ - ١٩٦٢م.

